

متن پرسش

باسمه تعالی سلام علیکم. خواهشاً هر سوال را به صورت جداگانه پاسخ دهید. بعد از مطالعه کتاب ادب خیال، عقل و قلب سوالاتی برایم به وجود آمده که امیدوارم با راهنمایی شما حل شود: ۱- ابعاد اصلی وجود ما همان ۴ بعدی است که در کتاب فرمودید؟ ۲- شما فرمودید که انسان جامع انسانی است که همه ابعادش را تربیت کند و اگر نتوانست اولویت بندی کند و تربیت و پرورش قلب را در اولویت اول قرار دهد چون مهم ترین بعد ماست. اما سوال اینجاست که چگونه فردی که هنوز خیالش را مودب نکرده است توانایی ادب کردن قلب را دارد؟ کسی که هنوز نمی‌تواند خیالات خود را در نماز کنترل کند چگونه می‌تواند به حضور قلب برسد؟ به عبارت دیگر مگر تربیت بعد قلب از همه ابعاد سخت تر نیست. پس چگونه می‌توان قلب را زود تر از همه مودب کرد؟ (مثل وزنه برداری که هنوز قادر نیست وزنه ۱۰۰ کیلویی را بلند کند، اما به او می‌گوییم که وزنه ۲۰۰ کیلویی را بلند کند !!!) ۳- شما فرمودید که خیال، مظهر عشق و طراوت است. می‌خواهم بدانم اینکه ما می‌توانیم تصور کنیم که در حرم امیرالمومنین هستیم و از این حضور و ارتباط لذت می‌بریم مربوط به بعد خیال است یا قلب؟ (توضیح دهید) ۴- من احساس می‌کنم همین‌که از خیالات واهی رها شوم، همان لحظه ارتباط قلبی با حقایق عالم برایم ممکن می‌شود، به عبارت دیگر رها شدن از خیالات همان و حضور قلب در نماز همان. یعنی بین این دو هیچ فاصله زمانی وجود ندارد. پس اگر ما در نماز تلاش کنیم که خیالمان را پاک نگهداریم و از وهمیات استقبال نکنیم سریعاً و بدون هیچ وقفه‌ای حضور قلب برایمان حاصل می‌شود. آیا این حرف درست است؟ ۵- آیا برای ادب کردن خیال، عدم استقبال از خیالات واهی کفایت می‌کند؟ ۶- آیا تنها راه ادب کردن عقل، خواندن کتب استدلالی است؟ ۷- برای کسی که می‌خواهد فلسفه را از صفر شروع کند چه سیر مطالعاتی را پیشنهاد می‌کنید؟ ۸- منظور از ادب کردن قلب، همان تفکر و توجه و تمرکز دائمی و مستمر بر روی حضور حضرت حق است که در جزوه گوهر اصلی ماه مبارک رمضان فرموده اید؟ با تشکر- موفق باشید

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام: ۱- آری ۲- قلب در ذات خود حقایق را می‌شناسد اگر توانستیم آن را در صحنه نگه‌داریم به نور قلب خیال و اعضاء ما نیز تربیت می‌شود، این روش را روش «لمی» می‌گویند که از کُل به جزء می‌رسیم برعکس روشی که از جزء به کل می‌رسند، شما به خودتان نظر کنید ببینید کدام روش با روح‌تان همخوانی دارد. ۳- این‌جا خیال و قلب با هم کنار آمده‌اند به تعبیر امام

خمینی «رضوان الله علیه» قلب، آن مرتبه‌ی مجرد خیالی است که در آن مرتبه، معقولی را به صورت جزئی می‌یابد (تقریرات فلسفه، ج ۳، ص ۳۴۲). ۴- آری درست است ۵- همین‌طور است ۶- خیر، اساس کار آن است که برای کثرات استقلالی قائل نباشیم و همواره وحدت را در کثرت بنگریم ۷- ده نکته از معرفت نفس، برهان صدیقین، حرکت جوهری، بدایة الحکمه با شرح آقای صمدی آملی ۸- حرف خوبی است ولی باید با نظر به وحدت در کثرت مشکل را حل کرد. موفق باشید